



فوتبال آبکی

و زندگی بخشی است اما آب بستن در مدیریت و زمین مسابقه چیزی جز بحران کارآبی مدیران فوتبالی نیست. بازیکنان اساساً مجهزند و در پوشش و ادوات ورزشی خود آماده شده‌اند اما بحران سخت‌افزاری و تأسیسات ورزشی در فوتبال تمامی ندارد. چمن مصنوعی یا غیرمصنوعی بهانه است و بی‌برنامگی و مناسب نبودن زمین‌ها و زیرساخت‌های ورزشی ریشه در یک رویکرد عقیم به مدیریت ورزشی دارد که توسعه ورزشی و فوتبالی کشور را چه از بعد نرم‌افزاری و چه از جهت سخت‌افزاری به تعویق و تأخیر انداخته است. فوتبال می‌تواند معرف توسعه یافتگی و یا توسعه نیافتگی باشد. فوتبال ورزشی است دسته‌جمعی که نیازمند تئوری، برنامه‌ریزی، هماهنگی، تقسیم کار، احترام به قوانین، نوآوری، اقتصاد و سرمایه و فرد توسعه یافته با امکان خلاقیت فردی و آزادی عمل است اما در عکس شاهد یک وضعیت متناقض‌نما هستیم؛ جایی که فوتبال حرفه‌ای در زمین و تأسیسات غیرحرفه‌ای در حال پیگیری است. حاصل این توسعه نیافتگی همین شاهکار است که دروازه‌بان تیم پرسپولیس پیش از مسابقه بیش از آنکه در فکر و تدبیر آماده‌سازی و تمرکز ذهنی خود باشد باید به یاری نیروهای خدماتی شهرداری و عوامل ورزشگاه بپردازد و محوطه جریمه را جارو و نئ بکشد تا این محوطه را برای حضور خود مهیا سازد. همانقدر که در عکس ابزارها و ادوات و تمهیدات ساده و بسیطاند تفکر فوتبالی در کشور نیز از سوءمدیریت مدیران یقه سفید رنج می‌برد تا اسراف بیت‌المال و حیف و میل کردن سرمایه در آستانه ورود به سده جدید رنگ و بوی جدیدی به خود بگیرد. عصر دست به دست شدن رقم‌های میلیاردی، قراردادهای کلان، اسپانسرینگ و «فوتبال شل و آبکی». آنچه کم است؛ پول و سرمایه نیست بلکه تخصص، شایسته سالاری، بروکراسی کارآمد، برنامه‌ریزی، به کارگیری مؤثر نیروها، روزآمد شدن، توزیع عادلانه امکانات و نگاه علمی به مقوله مدیریت ورزشی است. همین فقدان است که زانوهای بازیکنان را خم و زمین را بدل به باتلاق کرده است.

هنکیس، المر (۱۳۸۷) فوتبال و فلسفه ترجمه علی محمد طباطبایی
https://goftman.wordpress.com/200823/06/

سر توپ است. توپ تقدیر مسابقه را رقم می‌زند و «تجسم و تجسد آزادی است. توپ در هر مسیری که بتوان فرض کرد حرکت و جهش می‌کند. به نظر می‌رسد که توپ «اراده» خودش را دارد. هم یک شیء است و هم به نظر می‌رسد که آزاد است. احتمال (شانس) و اراده انسان در حرکت‌های تند و سریع توپ بر یکدیگر تأثیر متقابل می‌گذارند، با یکدیگر می‌رقصند و پُشتک می‌زنند. توپ آزاد از قید و بند هر مسئولیتی با شادی و مسرت این سو و آن سو می‌جهد، میان اراده انسانی و اتفاق، آزادی و محدودیت، موفقیت و شکست، امید و ناامیدی تا در لحظه بعدی دوباره به جهان سراسر امید بازگردد. توپ جهان خاص خودش را دارد» (هنکیس، ۱۳۸۷) اما این گردش مختار و تحمیلی توپ اینجا از حیز انتفاع ساقط شده است چراکه متغیر و فاکتور مهم دیگری وارد معادله چند مجهولی فوتبال شده است و آن هم باران و زمین با آن مختصات عجیب و غریبش است. راستش را بخواهید تا یادمان می‌آید و حافظه فوتبالی‌مان یاری می‌کند زمین‌های باشگاه‌های ورزشی را لرزان و سست دیده‌ایم. زمین‌هایی که گویی برای واترپلو و بازی‌های آبی طراحی شده‌اند. طراحی که نه؛ پد طراحی شده‌اند. شاید بهتر باشد بگوییم این زمینه‌ها اساساً حاصل عدم طراحی و برنامه‌ریزی و سوءمدیریت است. سوءمدیریتی که خاستگاه آن، خارج از زمین فوتبال است اما تقدیر و سرنوشت مسابقه را درون مسابقه رقم می‌زند. زمین فوتبال دیری است ضد فوتبال شده است. زمینی که دیگر شبیه یک زمین فوتبال نیست بلکه به استخری کج و معوج و بی‌ریخت شبیه است که به صورت خودرو به این حال و روز درآمده است. اینها زمین نیستند بلکه فضای تا حدودی مسطح برای دویدن و آسیب دیدن و بالا بردن هزینه‌های یک مسابقه ورزشی حرفه‌ای سالم است. در عکس توپ راه خود را می‌رود و بازیکنان نیز جدال خود را دنبال می‌کنند غافل از آنکه تصمیمات غلط و نابخردی در سطوح بالای ورزشی کشور و فوتبال حرفه‌ای چه فجایی در عصر تکنولوژی فوتبال رقم می‌زنند. در عکس غوغایی از آب به پا شده است. آب‌هایی که روی زمین روان است و با حرکت فیزیکی بازیکنان یا ضربه زدن به توپ از زمین برخاسته و مسابقه را تحت‌الشعاع خود قرار داده و مسابقه را از جدال ساق بازیکنان و چمن سبز مسطح بدل به هیاوهی شالاپ شلوپ آب و توپ می‌کند. آب نماد پاکی

نساجی هستند که بنا بر رسم میزبانی لباس ورزشی اول خود را بر تن کرده‌اند. آنها سرخ‌پوش شده‌اند و تیم میهمان یعنی پرسپولیس از جامه سرخ بیرون آمده است و لباس دوم خود یعنی لباس سفید با رنگ‌های مختصر قرمز در آستین به تن کرده است. عکس واجد چند پلان است. پلان آخر شامل تأسیسات دور زمین است که به صورت ابتدایی و سردستی و هول هولکی با گونی پوشانده شده است و پشت دروازه و حاشیه‌های زمین را نشان می‌دهد. پلان بعدی در پس‌زمینه، جایی است که بازیکن تیم میزبان ایستاده است و نظاره‌گر کشاکش فیزیکی سخت بازیکن خودی و تیم حریف است. پلان سوم که به پیش‌زمینه‌ای که ما به آن می‌نگریم نزدیک است؛ پلانی است که در آن دو بازیکن پرسپولیس و نساجی درگیر تصاحب توپ هستند. سمت و سوی بدن این دو بازیکن با هم متفاوت است. بازیکن تیم نساجی روبه‌روی

سوءمدیریتی که خاستگاه آن، خارج از زمین فوتبال است اما تقدیر و سرنوشت مسابقه را درون مسابقه رقم می‌زند. زمین فوتبال دیری است ضد فوتبال شده است. زمینی که دیگر شبیه یک زمین فوتبال نیست بلکه به استخری کج و معوج و بی‌ریخت شبیه است که به صورت خودرو به این حال و روز درآمده است. اینها زمین نیستند بلکه فضای تا حدودی مسطح برای دویدن و آسیب دیدن و بالا بردن هزینه‌های یک مسابقه ورزشی حرفه‌ای سالم است.

قاب قرار دارد و وحید امیری به سمت راست کادر مایل شده است و در حال عبور است. این دوسویه متفاوت از زبان بدن بازیکنان عکس را خوش‌فرم ساخته است. در حقیقت به لحاظ یک هندسه ذهنی می‌توان در عکس مثلی را مشاهده کرد که رأس آن بازیکن نساجی و در دورأس نزدیک به جلوی قاب دو بازیکن پرسپولیس و نساجی قرار گرفته‌اند. رأس مثلت به سمت نقطه انتهایی کادر است و همین امر عکس را واجد نوعی عمق میدان (محدود) ساخته است. جدال بر



آرش حسن‌پور پژوهشگر مطالعات تصویری

دیدار معوقه تیم‌های پرسپولیس تهران و نساجی قائمشهر از هفته پنجم رقابت‌های لیگ بیستم برتر فوتبال باشگاه‌های کشور در تاریخ پنجم دی‌ماه ۱۳۹۹ در ورزشگاه شهید وطنی برگزار شد و دو تیم در پایان ۹۰ دقیقه تلاش به تساوی یک بر یک رضایت دادند. می‌دانیم باشگاه پرسپولیس از سازمان لیگ درخواست کرده بود تا به دلیل شیوع ویروس کرونا و نیز زمین چمن مصنوعی ورزشگاه شهید وطنی، دیدار این تیم برابر نساجی مازندران در تهران برگزار شود که مورد پذیرش باشگاه نساجی قرار نگرفت و در نهایت سازمان لیگ به منظور همراهی با پرسپولیس، رأی به لغو این دیدار داد. تک گل نساجی در نیمه نخست روی ضربه سر مجتبی بیژن به ثمر رسید و گل پرسپولیس را در این دیدار احمد نوراللهی در دقیقه هشتاد و پنجم به ثمر رساند. بازی در زمین باتلاقی قائمشهر کار را برای هر دو تیم به شدت سخت کرده بود و در چند موقعیت توپ روی زمین خیس وطنی متوقف می‌شد.

عکس‌ها همگی خارجی است. محل ثبت عکس‌ها ورزشگاه شهید وطنی قائمشهر مازندران است جایی که تیم نساجی میزبان تیم فوتبال پرسپولیس است. عکس‌ها در بعدازظهر ثبت شده‌اند اما نشان و رنگی از نورهای طبیعی خورشید نیست. هوا ابری و بارانی است و از همین رو زمین فوتبال نیز درگیر تبعات بارندگی و تغییرات جوی روزانه شده است. نمای عکس‌ها نمای متوسط است و زاویه دوربین تقریباً هم‌تراز و هم‌سطح با حضار موجود در عکس است. در عکس‌ها قاب معطوف به درون زمین و وقایعی است که در این چارچوب و مساحت در حال وقوع است. در حقیقت مسابقه و شیوه برگزاری مسابقه و روند مواقع هدف عکاس در ثبت عکس‌های ورزشی و خبری است. از این‌رو عکس‌ها ماهیت توصیفی و مستند گونه دارند که تلاش دارند بی‌طرفانه ماجرا را به تماشا بگذارند. در عکس نخست، سه نفر در قاب هویدا هستند. دو نفر عضو باشگاه